

بررسی جلوه‌های تعاون و تعامل در فرهنگ و ادب عامه کُردی (شهرستان

ایوان غرب و سومار غرب) (ص ۲۵-۴۳)

شهریار شادی گو^۱، نفیسه ایرانی^۲، نویسنده مسئول، مهدی احمدی خواه^۳

doi:10.30495/irll.2023.1994532.1583

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

فرایند جهانی شدن و حس رقابت ملت‌ها جهت رسیدن به آمال توسعه، به دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای منجر شده‌است. هرچند این تحولات، ذاتی و جزء لاینفک جوامع است اما موجب تضعیف هویت ملی و فرهنگ‌های قومی شده که شایسته است در جریان آن، به عناصر همزیستی ملی و غنای فرهنگ قومی توجه شود تا شاهد پویایی هرچه بیشتر جوامع چندفرهنگی و انسجام ملی باشیم. بنابراین، برای نیل به این اهداف، جوامع نیازمند بازخوانی خرده فرهنگ‌های بومی هستند. این پژوهش برآن است تا با استفاده از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با نگاه میان‌رشته‌ای، به واکاوی جلوه‌های سنت تعاون در فرهنگ و ادب عامه کُردی کلهری که موجب استحکام جوامع گذشته بوده‌است، پردازد و برای سؤالات پژوهش، پاسخ‌های علمی بیابد. این سؤالات عبارتند از: چه جلوه‌هایی از تعامل و تعاون در فرهنگ و سبک زندگی گذشته مردمان کلهری وجود داشته‌است؟ آیا تعاون و تعامل در ارتباط با فقرزدایی، استحکام روابط اجتماعی، پیشبرد فعالیت‌ها، مدیریت نیروی انسانی و زندگی کردزبانان کلهری ایوان غرب و سومار غرب نقش‌آفرین بوده‌است؟ و آیا در حال حاضر، نمودی از این روابط فرهنگی در ادب عامه کلهری دیده می‌شود؟ از یافته‌های تحقیق آن است که در فرهنگ عامه کلهری جلوه‌های قابل تأملی از تعامل و تعاون وجود داشته‌است که از دیرباز نقشی بسزایی در پیشبرد اهداف اجتماعی، تسهیل کارها، رونق اقتصادی، مدیریت نیروی انسانی، پایان دادن به منازعات قومی و زدودن چهره فقر از جوامع کلهری ایفا نموده‌است. دیگر اینکه در حال حاضر، انعکاس برخی از این روابط در ادب عامه کلهری دیده می‌شود.

کلمات کلیدی: تعاون و تعامل، فرهنگ و ادب عامه، کُردی کلهری، ایوان غرب و سومار غرب.

E-mail: sh.shadigo@cfu.ac.ir

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

E-mail: n.iranii@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

E-mail: Kamyar137884@gmail.com.

۳. مدرّس مدعو دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.



۱. مقدمه

شهرستان «ایوان غرب» از توابع استان ایلام با مرکزیت شهر ایوان و جمعیتی حدود ۴۹۴۹۱ نفر (طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۵) در قسمت شمالی استان قرار دارد. دارای دو بخش است: «مرکزی» و «زرنه». این شهرستان از شمال شرقی و شرق به شهرستان شیروان چرداول، از شمال و شمال غربی به شهرستان گیلان غرب (از توابع استان کرمانشاه)، از جنوب به شهر ایلام و از غرب به بخش سومار از توابع شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه محدود می‌شود (نک. پرهیزگاری، ۱۳۸۲: ۱۸). «ایوان غرب یکی از مراکز اصلی ایل کلهر در غرب کشور است که به گویش کلهری ایوانی تکلم می‌کنند» (دلشاد، ۱۳۸۶: ۳۵). همچنین «سومار یکی از بخش‌های شهرستان قصرشیرین از توابع استان کرمانشاه بوده و در منتهی‌الیه غرب ایران و نزدیک‌ترین شهر ایران به بغداد، مرکز عراق قرار دارد. سومار از شرق به شهرستان ایوان، از شمال به نفت شهر، از غرب به کشور عراق و از جنوب به عراق و دهستان بولی، از بخش چوار شهرستان ایلام، محدود می‌شود» (اکبری، ۱۳۹۳: ۹). مردم سومار بر اثر جنگ تحمیلی (شهریور ۱۳۵۹) مجبور به مهاجرت از زادگاه خود شده، در شهرهای همجوار سکنی گزیدند. یکی از این شهرستان‌ها که اکثریت مردم سومار به آنجا مهاجرت کرده، شهرستان ایوان غرب است. مردم مهاجر سومار و شهروندان ایوان غرب قریب چهل سال است که در شهر ایوان و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با تعامل و تعاون دارند.

ایل کلهر یکی از شعب اصلی ایل‌های کرد ایران و از کهن‌ترین طوایف غرب ایران و همچنین بزرگ‌ترین ایل کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران است. مردمان آن، کردتبار هستند و به گویش کردی کلهری تکلم می‌کنند. ایوان غرب، گیلان غرب و اسلام‌آباد غرب پایتخت‌های اصلی ایل کلهر هستند (نک. میرزا، ۱۳۶۸: ۲۷). زبان ایل کلهر کردی با گویش کلهری است. این گویش، دارای ۳۸ آوا شامل ۳۰ صامت و ۸ مصوت است (دلشاد، ۱۳۸۶: ۳۵) و اولین گویش کردی است که از آن نوشتار باقی مانده است.

مسکن اولیه ایل کلهر در شهر کالج (نمرود فعلی) در بین‌النهرین (میان‌رودان)، در کردستان عراق فعلی، بوده است که بعدها به دامنه‌های شاهو و قلعه پلنگان (حد فاصل سنندج با کامیاران) کوچ می‌کنند و سپس به اطراف شاهراه خانقین_کرمانشاه نقل مکان می‌کنند؛ هرچند که به صورت پراکنده در سایر نقاط کردستان هم حضور دارند. ایل کلهر پیش از روی کار آمدن صفویان تا ابتدای حکومت شاه طهماسب اول دارای موقعیتی مستقل و خودمختار بودند، اما در سال ۱۱۴۰ هجری قمری قرارداد صلحی بین حکومت ایران و دولت عثمانی بسته شد که مانع از جنگ بین این دو کشور شد و به موجب این پیمان صلح، همدان، ایالت کرمانشاهان و خاک کلهر به دولت عثمانی واگذار گردید و در مقابل، پادشاه عثمانی حکومت اشرف را در ایران به رسمیت شناخت. مسکن آنان در غرب ایران، شهرستان ایوان غرب در استان ایلام و در استان کرمانشاه در شهرستان‌های گیلان غرب، اسلام‌آباد غرب، بخشی از کرمانشاه،

سرپل ذهاب، قصر شیرین و بخشی از شهرستان‌های چرداول، دره‌شهر و سیروان در استان ایلام است و از طرف مغرب به خاک کردستان عراق، محدود می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۱: ۱۸). راولینسون (۱۳۶۲: ۴۷) دربارهٔ قدمت و موقعیت ایل کلهر می‌نویسد: «کلهرها اگر قدیمی‌ترین ایل کردستان نباشند، به عنوان یکی از طوایف قدیمی منطقه شناخته شده‌اند». عمادالدین دولتشاهی با ترجمهٔ متن‌هایی از اوستا، منطقهٔ غرب ایران از قصر شیرین تا ایلام، بویژه «ایوان غرب» و «گیلان غرب» را که مرکز ایل کلهر هستند، محل زندگی اقوام اسطوره‌ای ایران معرفی می‌کند. همچنین با توجه به قبور حکاکی شده‌ای که کشف شده است و اسم گیلانی کلهر در ۱۲۰۰ سال قبل بر روی قبور اجداد کلهر را نشان می‌دهد، قدمت ایل کلهر را به دوران ساسانی و قبل اسلام برمی‌گرداند (نک. گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۳).

۱-۱. گویش کلهری

طبق تقسیم‌بندی‌ها و مطالعات زبان‌شناسان، تمام زبان‌های بشری از خانوادهٔ بزرگ «زبان هند و اروپایی» سرچشمه گرفته‌اند. از این خانواده، گروه کوچک‌تری به اسم «زبان‌های هندوایرانی» متولد شده است که کلیهٔ زبان‌های ایرانی در زیر مجموعهٔ آن قرار می‌گیرند؛ مانند زبان فارسی و زبان‌های هم‌عرض آن (کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی و طالشی) که مدام در ارتباط بوده‌اند و لغات و اصطلاحاتی از همدیگر اقتباس نموده‌اند (نک. ناقل خانلری، ۱۳۷۴: ۵۹ و ۱۳۸). همچنین در مورد شاخه‌ها و شعب زبان کردی آورده‌اند که: «گروه اصلی اول کورمانجی است که خود به دو شعبه تقسیم می‌شود: شعبهٔ شرقی یا مگری در سلیمانیه و سنه (سندج) و شعبهٔ غربی در دیار بکر و رضائیه (ارومیه) و ایروان و ارزم روم و شمال سوریه و شمال خراسان. گروه اصلی دیگر یا گروه جنوبی در منطقهٔ کرمانشاه و بختیاری است» (همان: ۲۹۵). اما مک کاروس و ویندفور معتقدند که کردی، به سه شاخهٔ شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود (نک. خنجری و راشد محصل، ۱۳۹۷: ۲۲) که گویش کلهری در شاخهٔ جنوبی آن جای دارد.

بنابر این، گویش کلهری شاخه‌ای از کردی جنوبی و کردی نیز از خانوادهٔ زبان‌های ایرانی است که در سیر تاریخی خود هم عرض زبان فارسی به حیات خود ادامه داده است. این گویش هم‌اکنون یکی از گویش‌های زنده و پویای زبان کردی است که گویشوران بسیاری را در استان‌های کرمانشاه، ایلام و حتی شهرهایی از کشور عراق (خانقین و مندلی تا بغداد) شامل می‌شود. گویش کلهری در تمام مناطق ذکر شده تقریباً به یک شکل به کار می‌رود، جز در مواردی که به دلیل هم‌جواری با دیگر گویش‌ها (گویش جافی، لری و...) یا دیگر زبان‌ها (زبان عربی) تغییراتی در تلفظ بعضی از واژگان ایجاد شده است.

۲-۱. تعاون و تعامل

فرایند جهانی‌شدن و حس رقابت ملت‌ها در نیل به آمال توسعه، موجب تضعیف سنت‌ها و هویت خرده‌فرهنگ‌ها شده است تا جایی که بسیاری از روابط حسنه جمعی را که یک زمان مایه قوام و دوام اقوام به شمار می‌آمد، کمرنگ کرده یا به طور کلی به فراموشی سپرده است. روابطی که در حال حاضر تنها در میان یادها، خاطرات کهنسالان و یا در پاره‌ای از گزاره‌های ادب شفاهی (ضرب‌المثل‌ها، کنایات، چیستان‌ها، ابیات فولکلور و غیره) به دید می‌آیند. هرچند فرایند جهانی‌شدن و تحولات آن، ذاتی و جزء لاینفک جوامع هستند، اما نباید منجر به نابودی خرده‌فرهنگ‌های بومی شود و ما را از بازخوانی عناصر غنابخش فرهنگ قومی بازدارد.

با استناد به اینکه تأمل و تعمق در فرهنگ، زبان و ادب عامه خرده‌جوامع همواره می‌تواند ما را به شناخت جنبه‌های گوناگون آن رهنمود سازد، پژوهش حاضر بر آن است تا به مطالعه جلوه‌های سنت تعاون و تعامل در فرهنگ و ادب عامه کلهری که در روزگاران گذشته موجب استحکام ملت‌ها بوده، بپردازد و نشان دهد که این روابط تا چه اندازه در مسائلی چون فقرزدایی، پیشبرد فعالیت‌ها، مدیریت نیروی انسانی و زندگی کردزبانان کلهری ایوان‌غرب و سومارغرب نقش‌آفرین بوده‌اند.

۳-۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش بر آن است تا با استفاده از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با نگاه میان‌رشته‌ای، به واکاوی جلوه‌های سنت تعاون در فرهنگ و ادب عامه کردی کلهری که موجب استحکام جوامع گذشته بوده است؛ پرداخته، برای سؤالات پژوهش، پاسخ‌های علمی بیابد:

- ۱- در فرهنگ و سبک زندگی گذشته مردمان کلهری چه جلوه‌هایی از تعامل و تعاون وجود داشته است؟
- ۲- آیا تعاون و تعامل در ارتباط با فقرزدایی، استحکام روابط اجتماعی، پیشبرد فعالیت‌ها، مدیریت نیروی انسانی و زندگی کردزبانان کلهری ایوان‌غرب و سومارغرب نقش‌آفرین بوده است؟
- ۳- آیا در حال حاضر، نمودی از این روابط فرهنگی در ادب عامه کلهری دیده می‌شود؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با فرهنگ عامه کردزبانان، مطالعات ارزشمندی انجام گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یارمحمد قاسمی و سهراب مروّتی در کتاب همیاری‌های سنتی ایلامیان (۱۳۸۸) به بررسی سنت‌های همیاری در بین ایلامیان می‌پردازند. نویسندگان در این کتاب، ضمن مفهوم‌سازی و بیان چهارچوب

نظری، عرصه‌های مختلف همیاری را در بخش‌های دامداری، کشاورزی، مذهبی و عرفی، سوگ و سور و همیاری‌های متفرقه بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که با عنایت به دگرگونی‌های ساختاری در شیوه معیشت و نظام فنی و تکنولوژی جامعه، همیاری‌های سنتی چه در ساختار و چه در محتوا امکان‌پذیر نیست.

- امید محمدزاده در کتاب فرهنگ یاریگری در ایلات و عشایر استان ایلام: نگاهی مردم‌شناختی به همیاری‌های سنتی (۱۳۹۷) به واکاوی سنت فرهنگ یاریگری در بین عشایر استان ایلام می‌پردازد. این کتاب به ذکر نمونه‌هایی از سنت همیاری در بین عشایر ایلام پرداخته‌است که خالی از هر نگاه تحلیلی و انتقادی است.

- موسی پرنیان در کتاب فرهنگ عامه کرد کرمانشاه (۱۳۸۰) چشم‌اندازی کلی از فرهنگ کردی و کردزبان کرمانشاهی می‌نمایند؛ از جمله: تاریخ و جغرافیای کرد و کرمانشاه، ادبیات عامه کردی، بازی‌ها، پوشش، باورها، آداب و رسوم.

- صیاد گلشن و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی در ایران: مورد مطالعه گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی» (۱۳۹۷) به مطالعه مناسبات موجود در میان گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی بر اساس دو متغیر «تعصب و تبعیض» پرداخته‌اند و پس از تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که در متغیر «تعصب» بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد اما از منظر متغیر «تبعیض» تفاوت معناداری دیده نمی‌شود؛ مثلاً تعامل بین گروه‌های آرامنه و آشوری‌ها با ترک‌ها و کردها معنادار است، ولی این تفاوت بین ترک‌ها و کردها به دلیل تشابهات فرهنگی (اعتقادات دینی مشترک) معنادار نیست.

۱-۵. ضرورت پژوهش

مطالعه فرهنگ و رفتار پیشینیان و تفسیر و تحلیل روحیه خودجوش آنان در یاری‌رسانی به همدیگر و همچنین شکل ساده و ابتدایی تعاون و همکاری که منجر به استحکام جوامع سنتی، روابط اجتماعی و بقای آنان بوده‌است، می‌تواند تلنگری بر جامعه امروز باشد، جامعه‌ای که به سرعت به سمت تفکر و نگرش «رقابت»، «بی‌اعتمادی» و «خودمحوری» یکه‌تاز شده‌است؛ چرا که «در جهان در حال تغییر به طور فزاینده‌هنگام هم‌دینداری، ارزش‌ها، سنت‌ها، هویت‌ها و پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی بخش مهمی از زندگی بسیاری از افراد جامعه است و نقش چشمگیری در تجسم رفتار اجتماعی دارد، افراد و جوامع، آرمان‌های زندگی خود را در آن‌ها جست‌وجو می‌کنند و به عنوان بازدارنده بسیاری از باورها و گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی، نگاه‌ها، تمایلات، رفتار و کنش کنشگران اجتماعی را جهت می‌دهند» (طالبی و رضانی، ۱۳۹۶: ۱۵۸)، پس بازخوانی سنت و جلوه‌های آن که از دیر باز عامل استحکام

روابط اجتماعی و تسهیل امور گذشتگان به شمار می‌آید، می‌تواند در تعیین سمت و سوی حرکت جامعه امروز نیز نقش‌آفرین باشد.

دیگر اینکه در جستجوهای نگارندگان، پژوهشی مستقل در ارتباط با موضوع حاضر «بررسی و تحلیل فرهنگ تعاون و تعامل در کردی کلهری» مشاهده نگردید که این، پرداختن به موضوع را ضروری می‌نماید.

۱-۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (گفتگوی مستقیم با گویشوران کلهری شهرستان ایوان-غرب و بخش سومارغرب) و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است که تمام داده‌های آن حاصل گفتگوی مستقیم با قریب صد نفر از گویشوران کلهری در رده سنی بین پنجاه تا شصت و پنج سال است. نگارندگان در آغاز به چهل و شش مورد از شیوه‌های تعامل و تعاون در فرهنگ کلهری دست یافتند که پس از تفکیک و دسته‌بندی، بیست مورد از داده‌ها را در مرحله نهایی انتخاب کرده، ملاک بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. همچنین بعد از انتخاب، داده‌ها را جهت تأیید صحت آوایی با شکل ضبط شده‌اشان در منابع مکتوب فرهنگ ادب عامه کلهری مانند فرهنگ کلهری «باشوور» از عباس جلیلیان، کتاب کلهرنامه اثر ناهید محمدی، کتاب فرهنگ عامه کرد از موسی پرنیان مطابقت داده، سپس شکل مکتوب ضبط شده را به عنوان داده نهایی در مقاله درج نموده‌اند و در نهایت مطابق راهنمای ثبت و گردآوری گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در درگاه به نشانی <https://apll.ir/1399/12/06> قرار داده شده است، تنظیم نموده و در سه بخش زیر دسته‌بندی کرده‌اند:

- ۱- تعاون و تعامل در فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی؛
- ۲- تعاون و تعامل در فعالیت‌های مرتبط با دامپروری؛
- ۳- تعاون و تعامل در فعالیت‌های مرتبط با مناسبات اجتماعی.

۲. مفاهیم پژوهش

توسعه، باور بنیادین دنیای مدرن است و از آن به عنوان نقطه کمال مطلوب جوامع یاد می‌شود. در توسعه، تمامی پیشرفت‌های مدرن در علم، فناوری، دموکراسی، اخلاق و سازمان‌های اجتماعی با طرح بشردوستانه و ایجاد دنیای بهتر درمی‌آمیزند. بدان معنا که از تفکر علمی و مدرن عصر روشنگری برگرفته، هدفش بهبود زندگی است تا از طریق فناوری پیشرفته موجب کنترل روابط و مناسبات اجتماعی و همچنین پیشرفت آرمان‌های ظریف اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی شود. بر این اساس، برخی بر این باورند که بهبودی در مجموعه شرایط به هم پیوسته طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و توسعه‌گرایی نیز اعتقاد به کارایی و مطلوبیت این نوع پیشرفت اقتصادی دارد (نک. ریچارد پیت و

همکاران، ۱۳۸۹: ۳). این نوع نگاه خودستایانه به توسعه‌گرایی مدرن، گفتمان توسعه را به چالش کشیده و منتقدانی را در برابر خود عَلم نموده‌است. اسکوبار و دیگر منتقدان توسعه برای این باورند که جریان توسعه آن‌طور که کشورهای جنوبی تجربه‌اش کرده‌اند بر پایه مفروضات اروپامدارانه بوده و از آن جهت به زیر سلطه درآوردن نواحی بزرگی از جنوب (نظام اقتصادی-سیاسی) به تسلط شمال کمک کرده‌است و این مسئله سبب شده تا فرهنگ‌های بومی تخریب شوند، پایداری محیط‌های طبیعی تهدید شود. (Rist, 2003: 35).

نظریه‌پردازان پساتوسعه، به عنوان بخشی از منتقدان توسعه، بر اهمیت گفتمان توسعه تأکید می‌ورزند. آنان معتقدند این شیوه که «توسعه» در آن تعریف شده، بسیاری از مدل‌ها و سبک‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محلی و تاریخی مردم را نادیده گرفته، آن‌ها را اساساً نماد توسعه‌نیافتگی و بی‌ثباتی قلمداد می‌کنند (Ziai, 2007: 78).

بر این اساس، به منظور دفاع از اعمال حاکمیت فرهنگ و اندیشه‌های انسانی بر توسعه و نشان دادن غنای فرهنگی جوامع بومی و محلی و اعتقاد بر این اصل که در فرایند جهانی‌شدن «وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع ذاتی است اما اگر این تغییرات و دگرگونی‌ها با هویت ملی و حفظ عناصر فرهنگ‌های قومی هماهنگ باشد، نه تنها می‌تواند به پویایی فرهنگی کمک کند بلکه می‌تواند عاملی برای افزایش هم‌زیستی و انسجام ملی در جوامع چند فرهنگی باشد» (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

در اغلب جوامع سنتی، افراد چون با کار یا فعالیتی مواجه می‌شدند که به تنهایی قادر به انجام آن نبودند، راه چاره را در همکاری گروهی و جمعی می‌دیدند. پس با تلاش و کار گروهی آن را به انجام رسانده، بر دشواری‌ها، موانع و مشکلاتی که سد راه فعالیت و زندگی‌شان قرار می‌گرفت، فائق می‌آمدند. این شیوه از پرداختن به انجام امور را «تعاون» می‌گویند. در این سبک از زندگی، مردمان با هم می‌اندیشند، با هم عمل می‌کنند، در غم و شادی‌های یکدیگر سهیم هستند و پیوسته با هم در ارتباط و «تعامل» هستند. در فرهنگ بزرگ سخن و لغت‌نامه دهخدا، «تعاون» در معانی «یکدیگر را یاری کردن»، «یاری‌رسانی» و «یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر» و «تعامل» در معنای «با یکدیگر داد و ستد کردن» آمده‌است (انوری، ۱۳۸۱ و دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه‌ها).

از منظر لغوی نیز به ترتیب از ریشه «عون» (در معنای یار) و «عمل» مشتق شده‌اند. بنابراین، «تعاون» هر فعالیتی را که جنبه جمعی و مشارکتی داشته باشد، شامل می‌شود و «تعامل» نیز به هر گونه مراد و ارتباط بین افراد منطقه گفته می‌شود. بنابراین «تعاون»، همسویی کوشش‌های دو یا شمار بیشتری از افراد است، برای دستیابی به هدف و یا هدف‌هایی معین، با نیت و منظوری واحد، یا متفاوت» (پاپلی یزدی، ۱۳۷۷: ۵) امروزه فرهنگ تعامل و شگرد تعاون، یکی از مؤثرترین روش‌های شناخته شده جهت حل مشکلات و غلبه بر امور دشوار به شمار می‌آید. در شهرستان ایوان غرب و سومار غرب که به ترتیب

از توابع استان ایلام و استان کرمانشاه و از مراکز کلهرنشین به شمار می‌روند و از گذشته‌های دور تاکنون با همدیگر در تعامل بوده، اقتصاد و معیشت مردمان مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است. از آنجا که زندگی بر پایه این دو شغل، دشواری‌های خاص و متعددی را به همراه دارد؛ قطعاً آنان نیز همانند دیگر جوامع سنتی ایران، از شیوه‌های مختلف تعاون و تعامل در پیشبرد اهداف و حل مشکلات جمعی و فردی بهره برده‌اند.

۱-۲. تعاون

واژه تعاون که معادل (cooperation) است در مفهوم خاص آن به نوعی مشخص از کار کردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد (نک. صوفیان، ۱۳۸۶: ۱۱). واژه Cooperation (مشارکت) را اولین بار رابرت آون^۱ در مقابل واژه competition (رقابت) به کار برد. به این معنی که تعاون به معنی کارکردن با هم برای یک مقصود و تجمع برای انجام دادن یک امر مشترک و عمل و همکاری اقتصادی است. بنابراین، تعاون به مفهوم خاص آن به نوع مشخصی از کارکردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد و در مفهوم عام، اشاره به همکاری، مساعدت، یاریگری، رعایت منافع جمعی، دستگیری از دیگران و مانند آن دارد که به زبان ساده مدد رساندن به یکدیگر در جهت ارضای نیاز مشترک است. «تعاون را گاهی معادل خودیاری نیز معنی می‌کنند. اگر خودیاری را کمک به خود از طریق دیگران بدانیم، در این صورت تعاون مفهومی خاص می‌یابد» (شهریور، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

۳. بحث و بررسی

در جوامع سنتی، تعاون، همیاری یا همکاری به منظور تسهیل کارها و رفع موانع صورت پذیرفته است. این روحیه، پیوسته موجب استحکام روابط اجتماعی و تقویت حس نوع‌دوستی در آنان بوده است. در جامعه کلهری نیز همانند دیگر جوامع سنتی، مردمان به اشکال و شیوه‌های مختلف در تحکیم این سنت و روحیه مددکاری اقدام نموده‌اند. آنان اغلب کارها و فعالیت‌های معیشتی و اجتماعی‌اشان را به صورت دسته‌جمعی انجام می‌دادند که در اصطلاح به آن «گه‌له‌گه‌فه _ گله گَغه _ /gala gafa/ : قشون، لشکر» می‌گفتند (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۶۵۲). جلوه‌های تعاون و تعامل در فرهنگ کلهری در سه بخش زیر بررسی می‌شود:

¹. Robert Avon

۳-۱. تعاون و تعامل در فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی

زندگی کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به آن، بسیار دشوار و مشقت‌بار است؛ به ویژه در جوامع سنتی که فاقد وسایل پیشرفته کشاورزی امروزی بوده‌اند. فعالیت‌هایی طاقت‌فرسا و زمان‌بر که پرداختن به آن‌ها به شکل فردی موجب فساد محصول، اتلاف وقت و تحلیل و تضعیف قوای جسمی نیروی کار شده‌است. از این‌رو، مردم جهت ایجاد شور و اشتیاق به کار، تسریع در مراحل کاشت، داشت و برداشت و همچنین عرضه سریع محصول و از همه مهم‌تر تحکیم روابط اجتماعی و ابراز حس همدلی، تمام مراحل سه‌گانه کشاورزی و فعالیت‌های جانبی آن را به صورت دسته‌جمعی و گروهی به انجام رسانده‌اند. در ادامه این گفتار به تحلیل و توصیف جلوه‌هایی از یاریگری و تعامل در بخش کشاورزی می‌پردازیم:

- جوو درناوردن_ جودرآوردن_ /juder?âwrden/ : عمل احداث نهر آب و تعمیر انهار اصلی و فرعی کشاورزی.

در گذشته، زهکشی آب و هدایت آن به سمت زمین‌های کشاورزی فعالیت دشوار و زمان‌بری بود و از آنجا که هر سال بر اثر سیلاب و بارش باران این جوی‌های تخریب شده، آسیب می‌دیدند؛ به ناچار نیاز به تعمیر سالیانه داشتند. از این‌رو، مردمان روستا به صورت گروهی در یک زمان تعیین شده، انهار کشاورزی را تعمیر می‌کردند یا در صورت لزوم نهر تازه‌ای احداث می‌نمودند. پس در این نوع تعاون، افراد فعالیت مشابه داشته، ضمن برقراری ارتباط مستقیم با یکدیگر از مزایای آن به طور مستقیم و یکسان منتفع می‌شدند.

- چهرده_ چرده_ /çarda/ : مقدار محدودی زمین کشاورزی که معمولاً مالکان به دلایلی مانند حس نوع‌دوستی و دور بودن از دیگر اراضی کشاورزی از کشت آن صرف‌نظر کرده، به افرادی از روستا که فاقد زمین زراعتی بودند، واگذار می‌کردند تا برای گذران معیشت از آن بهره ببرند.

به افرادی که بر روی این زمین‌ها کار می‌کردند، «چهرده کال_ چرده کال_» («çardacâl») می‌گفتند. «چهرده کال»ها اغلب اشخاصی بودند که اصالتاً اهل روستا نبوده، بلکه در اثر مهاجرت، در آن منطقه سکنی گزیده بودند. از تحلیل این سنت چنین برمی‌آید که حس نوع‌دوستی و تعامل و مهمان‌نوازی، کلهرنشینان را بر آن داشته‌است که بخشی از اراضی کشاورزی (گاه مسکونی) خود را به افراد مهاجر به روستا و فاقد زمین سپرده تا منبع ارتزاقی برای معیشت خانواده آنان ایجاد کنند. این عمل، ریشه در روحیه سخاوتمندی و فرهنگ تعامل و تعاون مردمان کلهری دارد که در سنت فقرزدایی بسیار مؤثر واقع گردیده‌است.

- خهرمان کوتان - خَرمان کوتان_ /xarmân kotân/ : عمل «خرمن کوبیدن».

خرمن کوبیدن یکی از فعالیت‌های سخت و طاقت‌فرسا به شمار می‌رود. کردزبانان کلهری، دشواری این کار را با فعالیت جمعی و گروهی بر خود تسهیل نمودند. آنان از طریق تعاون و همیاری و همچنین تعاملی مستحکم، هر روز را به کوبیدن خرمن یکی از اهالی روستا اختصاص داده، تا به این شیوه تمام خرمن‌های روستا را به نوبت و سر موعدی مقرر بکوبند و تحویل مالکش دهند. بنابراین عبارت کنایی «چمانی خهرمان وه پیم کوتانه» به معنی «انگار خرمن کوبیده‌ام» که بیانگر نهایت خستگی و کوفتگی است، بر دشواری و سختی عمل «خهرمان کوتان» تأکید دارد.

- کال ونیم کال_ کال و نیم کال_ /kâl-o-nimkâl/ : نوعی کشت برنج یا صیفی جات که بنا بر توافق، هر سال در زمین فرد یا افراد خاصی از روستا انجام می‌گرفت ولی تمام اهالی از ثمره آن منتفع می‌شدند.

کشاورزان سومار و ایوان غرب هر سال در زمین‌های کشاورزی خود به کشت گندم و جو می‌پرداختند. اما گاه تصمیم بزرگان بر آن بود تا هر سال یک قطعه‌ای از زمین‌های روستا را انتخاب کرده، به کشت صیفی جات یا کشت برنج اختصاص دهند. پس محدوده زمین را مشخص می‌کردند و به کشت محصول مورد نظر روی می‌آوردند. در این نوع کشت، معمولاً زمین تعیین شده تنها به شخص یا گروهی از افراد روستا تعلق داشت و اکثریت اهالی منطقه اراضی‌اشان در آن محدوده قرار نمی‌گرفت. از این رو، طی قراردادی شفاهی، تمام اهالی روستا از مزایا و برداشت کشت مذکور برخوردار شده و در آن سهیم بودند بدان شرط که در سال بعد، محدوده آن کشت را (برنج یا صیفی جات) به زمین‌های شخص یا اشخاص دیگر روستا انتقال دهند. بنابراین توافق، نوع کشت برنج یا صیفی جات، هر سال در زمین فرد یا افراد خاصی از روستا انجام می‌گرفت ولی تمام اهالی از ثمره آن منتفع می‌شدند. به این سبک از کشاورزی «کال ونیم کال» (kâl-o-nimkâl) می‌گفتند. زیرا زمینی که امسال کشت می‌شد برای یک یا چند سال آینده بایر می‌ماند. دیگر اینکه، در این نوع از تعامل و تعاون که مختص به زمین‌داران روستا بود، حق و حقوق افراد فاقد زمین نیز دیده می‌شد؛ بدین معنا که افراد فقیر و فاقد زمین نیز موظف بودند از کشت برنج یا صیفی جات که نیاز به توجه بیشتری داشت، مراقبت کنند تا با عمل کردن به وظایف مختص به زمان داشت، از مزایای برداشت آن نیز برخوردار شوند. به این افراد که وظیفه مراقبت از کشت را برعهده داشتند، «قوخل» (/quxel/) می‌گفتند. «قوخل: شخص کارآمد در کاشت صیفی جات را گویند» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۵۴۳). همان‌طور که ذکر شد، تعامل «کال و نیم کال» و روح سخاوت در توجه به فرد «قوخل» از مهم‌ترین شواهد فقرزدایی در جوامع سنتی مردم کلهر به شمار می‌رود.

- کیشه_ کیشه_ /kiša/ : عمل انتقال محصول درو شده به صورت بسته‌بندی به یک محل مشخص.

«کیشه کردن» یکی دیگر از اعمال طاقت‌فرسای کشاورزی است که انجام دادن آن به تنهایی بسیار دشوار و زمانبر است. از این‌رو، کردزبانان پس از درو محصولات، به صورت گروهی به این کار می‌پردازند.

- گه‌له‌درهو_ گله درو /galaderaw/: درو کردن گروهی.

در این ترکیب زبانی و اصطلاح کشاورزی، واژه «گه‌له» به معنی گروه آمده‌است. از آنجا که درو کردن محصول، به‌ویژه کشت‌های با مساحت زیاد، عملی زمانبر و دشوار است؛ مردم منطقه پس از شور و مشورت، ترتیبی اتخاذ می‌نمایند تا هر روز یا چند روز را به درو کردن محصول یکی از زمین‌داران بپردازند و سپس به نوبت به سراغ دیگر کشت‌های روستا رفته، درو کنند. این اتحاد و همبازی موجب می‌گردد تا محصولات به سهولت و با مشارکت در زمان مقرر برداشت شوند. این اصطلاح در چیستان سایر زیر که ورد زبان مردمان کلهری است، دیده‌می‌شود و پاسخ آن نیز انگشتان دست است:

«گه‌له‌ره‌وه و کول‌خه‌ره‌وه چگن‌نرا دره‌وه_ گل‌عزو و کول‌خزو چگن‌ارا درو_ «kule xaraw gale araw va çgn ?efâ deraw»؛ یعنی گروهی عرب، سوار بر الاغ برای درو کردن رفتند (ج. اکبری، مصاحبه شخصی، ۱۰/۰۱/۱۴۰۱).

در این نوع مشارکت، تمام افراد جامعه به قدر توان خود سهم بوده‌اند تا جایی که در گفتمان ادب عامهٔ مردمان مَثلی سایر شده‌است که: «مووری وهر دهس دره‌وه‌نی هه خاسه _ موری ودرس دروونی هه خاسه /muri war das deravani ha xasa/ مورچهٔ کمک‌کار دروگر باز هم نعمتی است؛ یعنی کمک از جانب هر کس که باشد، ارزشمند است، حتی به مورچه» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

- مال‌خودای_ مال‌خدای /mâlxodây/: مقداری از محصول که زمین‌داران بلافاصله پس از درو کردن و کوبیدن آن، جدا می‌کردند تا به افراد فقیر و فاقد زمین روستا ببخشند.

در فرهنگ کردی پس از درو محصول و کوبیدن آن «دو نفر که پیشکسوت هستند با ذکر نام خدا جلوی «ماسیه» (خرمن غله) می‌نشینند و با دو غربال یا «ویژنگ» که در اصطلاح به آن یک زوج می‌گویند، شروع به برداشت می‌نمایند. ابتدا یک زوج را پُر می‌کنند و به اطراف ماسیه می‌گردانند و آن را به صورت جداگانه کنار می‌گذارند تا به فرد تهیدست و فقیری بدهند» (پربان، ۱۳۸۰: ۲۳۵). بنابراین، هر کدام از زمین‌داران، مقداری از محصول خود را جدا نموده، به افراد فقیر و فاقد زمین روستا می‌بخشیدند تا آنان نیز برای معیشت و گذران زندگی در تنگنا نباشند. سنتی که علاوه بر حس نوع‌دوستی و تعاون، منجر به فقرزدایی در میان کلهریان می‌شد. این اصطلاح در عبارت عامیانه و گلایه‌گونهٔ «حالم وهو ته‌رزس، مال‌خودایم فه‌رزس_ مال‌ترزس، مال‌خودایم فرزس_hâlem vaw tarzas, mâlxodâyim

/farzas/ حال و روزم به گونه‌ای است که مال خود را بر من واجب شده است» (ع. قاسمی، مصاحبه شخصی، ۹ /۰۱/۱۴۰۱).

- وژین_وژین - /wežin/: وجین زمین از علف‌های هرز و آفات آن.

یکی دیگر از کارهای سخت کشاورزی در زمان «داشت»، وجین زمین از علف‌های هرز و آفات آن بود که کشاورزان بایستی با دست انجام می‌دادند. دشواری کار موجب گردید تا این فعالیت نیز به صورت گروهی انجام شود. از این رو، طبق سنت همیاری و تعاون، تمام افراد روستا با کمک همدیگر و به نوبت، زمین‌های زیر کشت روستا را «وجین یا وژین» می‌کردند.

اغلب این سنت‌های تعاون و تعامل در کشاورزی هنوز در مناطق ایوان غرب و سومار غرب پابرجا هستند. از این میان، تنها سنت گله‌درو و خرمان‌کوتان به دلیل رشد فناوری و به‌کاررفتن ابزار مدرن کشاورزی از بین رفته است.

۲-۳. تعاون و تعامل در فعالیت‌های مرتبط با دامپروری

چوپانی و دامداری به عنوان کهن‌ترین شغل و فعالیت معیشتی بشر شناخته شده است که حتی ریشه در جهان اسطوره‌ها (نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۳ «داستان فریدون و برمايه» و همان، ۳/ ۲۰۶ «داستان کیخسرو و چوپان») و حتی داستان انبیا^۱ دارد. این شغل در میان کردزبانان کلهری نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه حجم وسیعی از اقتصاد کلهرنشینان مبتنی بر زندگی عشایری و چوپانی است. این شغل، مشقت‌ها و رنج‌های بی‌شماری را برای آنان به همراه داشته که تنها راه غلبه بر آن را در تعامل، تعاون و یاری‌رسانی به همدیگر می‌دیدند. در ادامه به تحلیل و توصیف جلوه‌هایی از یاریگری و تعامل در بخش دامداری می‌پردازیم:

- برینه_ برینه_ /berêna/: عمل بریدن پشم گوسفندان؛ پشم‌زنی (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

همچنین (به کسی که پشم گوسفندان را می‌تراشد، برینه‌گهر می‌گویند) (پرنیان، ۱۳۸۰: ۲۵۴). عمل پشم‌زنی گوسفندان نیز کاری دشوار است و به نسبت تعداد گوسفندان، مشقت و رنج آن نیز متغیر است. از این رو، این کار تنها با همیاری و تلاش جمعی تسهیل شده و انجام می‌گرفت که به آن «گه‌له‌برین» یا «پشم‌زنی دسته‌جمعی» می‌گفتند (نک. جلیلیان، ۱۳۸۵: ۶۵۲). پس دامداران غالباً زمان یا روزی را که قصد پرداختن به «برینه» گوسفندان داشتند، از قبل به اهالی روستا یا هم‌عشیره‌ها اعلام می‌کردند.

- **دپای_ دپای** /depây/: نوعی قرارداد بین کلهرزبانان است که به موجب آن، فردی احشام خود مثل گوسفند، بز، گاو و مانند آن را به شخصی دیگر می‌سپارد تا به مدت معلوم از آن‌ها حفاظت و نگهداری کند و در پایان، حاصل زاد و ولد احشام را به طور مساوی بین طرفین قرارداد تقسیم نمایند.

این سنت، اغلب از سوی افراد متمول به اشخاص فقیر پیشنهاد می‌شد تا هم زمینه‌های فراغت خود را فراهم سازند و هم موجب اشتغال و ارتزاق تنگدستان شوند. البته قرارداد مذکور آشکال دیگری نیز داشته‌است؛ مثل «سه‌پای»، «دو به چهار» و غیره. این شیوه همکاری، در کشاورزی نیز مصداق‌هایی دارد که عیناً شبیه بخش دامداری است. در فرهنگ «باشوور» واژه فوق چنین معنا شده‌است: «حشمی که متعلق به دو نفر است و در محصولات آن شریکند» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۳۴۳). لازم به ذکر است که این تعریف، در القای بار معنایی واژه «دپای» نارساست؛ چراکه در حقیقت، احشام متعلق به دو نفر نیست بلکه متعلق به یک نفر (دامدار اصلی) است و طرف دیگر (چوپان یا گله‌دار) فقط وظیفه نگهداری و حفاظت از آن‌ها را بر عهده دارد.

- **شیره‌ویهره_ شیرویره** /širawyara/: نوعی سنت که بر اساس آن گروهی از زنان روستا، طی توافقی شفاهی مقداری معین از شیر تولیدی روزانه احشامشان را با هم جمع کرده، هر روز شیر جمع‌آوری شده را به یک نفر از اعضای گروه اختصاص می‌دهند تا شیر بیشتری در اختیار داشته‌باشد و با فروش یا فرآوری آن و تولید محصولات بیشتر، مایحتاج زندگی را تأمین نماید.

بر این اساس، مقدار شیری را که هر روزه از طرف اعضا به گروه اهدا می‌شد، با چوبی که به آن «یره» می‌گفتند اندازه می‌گرفتند و این، یکی دیگر از جلوه‌های همکاری و همیاری اقتصادی در فرهنگ کلهری است که در فقرزدایی اجتماعی نقش بسزایی داشته‌است. این سنت در فرهنگ باشوور بدین شرح آمده‌است: «شیره‌واره یا شیره‌ویهره؛ نوعی اتحادیه و همکاری بین رمه‌داران، بدین ترتیب که چند خانوار با هماهنگی قبلی شیرهای خود را هفته‌ای به یکی از گله‌دارها تحویل می‌دادند. پس او شیر بیشتری در اختیار دارد و می‌تواند محصول بیشتری از شیر بگیرد. در اوستا (واره) به معنی پشتیبانی و نگهداری نوشته شده‌است» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۵۱۰).

- **گه‌له‌برین- گله برین** /galabefên/: عمل پشم‌زنی گوسفندان به صورت دسته‌جمعی ← ذیل برینه

- **گه‌له‌گه‌چه- گله‌گچه** /gala gaça/: عمل جمع کردن بزها و گوسفندان چند خانوار برای چرا.

گاهی تعداد گوسفندان خانوارها بسیار اندک بوده‌است؛ یعنی به اندازه‌ای نبوده که یک نفر به صورت تمام‌وقت به عنوان چوپان به نگهداری و چرای آن‌ها بپردازد. از این رو، خانوارها تمام بزها و گوسفندان

خود را با هم جمع کرده تا گله‌ای بزرگ تشکیل دهند، به این کار «گله‌گه‌چه» می‌گفتند. پس از تشکیل گله، طبق قراردادی هر روز یک یا دو نفر از افراد روستا مأمور چرای آن می‌شدند و چون اغلب شب‌ها گله را در کوه نگه می‌داشتند، هر شب، افرادی از یک یا دو خانواده موظف می‌شدند، شب در کوه کنار چوپانان و میان گله به سربرند و تهیه خوراک خود و چوپانان نیز بر عهده آنان بود، این شکل تعاملی را «شه‌وه کوه_ شوق کیو» /šawaküwa/ گویند. جلیلیان نیز «شه‌وه کوه» را «چرانیدن گله در شب» (جلیلیان، ۱۳۸۵: ۵۰۷) معنا کرده‌است. بنابراین «گله‌گه‌چه» و «شه‌وه کوه» نمودی دیگر از جلوه‌های تعامل و تعاون در فرهنگ کلهری به شمار می‌رود که به منظور ممانعت از اتلاف وقت و تلاش جهت مدیریت نیروی انسانی صورت پذیرفته‌است.

- نه‌وبه‌گا_نوبه‌گا_ /nawbagâ/: عمل جمع کردن گاوهای چند خانوار برای نگهداری و چرا. شکلی دیگر از تعاملات و همکاری‌های جمعی در فرهنگ کلهری «نه‌وبه‌گا» است. این نوع تعامل و تعاون، شبیه همیاری و همکاری «گله‌گه‌چه» است که به منظور چرا و حفاظت از گاوهای روستا و همچنین مدیریت نیروی کار انسانی انجام می‌گیرد.

در حال حاضر، اغلب این سنت‌های تعاون و تعامل در دامپروری در مناطق ایوان‌غرب و سومارغرب پابرجا هستند، اما سنت گله‌گه‌چه، شه‌وه‌کوه و نه‌وبه‌گا به دلیل تغییر ایجادشده در سبک زندگی مردم از بین رفته‌اند.

۳-۳. تعامل و تعاون در فعالیت‌های مرتبط با مناسبات اجتماعی

- پاوه‌کردن_پاؤکردن_ /pâwakerden/: پاگشای عروس در خانه پدری.

یکی از رسوم ازدواج است که بعد از مراسم عروسی، خانواده دختر به همراه اقوام یا طایفه او طی مراسم و آدابی به منزل عروس و داماد رفته، آنان را برای مدتی دعوت کرده، همراه خود به خانه یا روستا می‌آورند. جلوه تعاونی این سنت در آن است که اگر دختر با یکی از اعضای روستایشان ازدواج کند، اقوام نزدیک و اگر با قبیله، طایفه یا منطقه‌ای دیگر وصلت نماید؛ تمام اهالی روستا خانواده عروس را در مراسم پاگشا همراهی می‌کنند. دیگر اینکه اکثر خانواده‌های منتسب به زوجین، آنان را به ولیمه‌ای دعوت کرده، هدیه‌ای نیز تقدیمشان می‌کنند که این هدایا در وضعیت اقتصادی و شکل‌گیری زندگی ابتدایی زوج مؤثر است.

- پرسانه_ پرسانه_ /persâna/: کمک مالی اقوام، هم‌ولایتی‌ها، طوایف و قبایل هم‌جوار به خانواده صاحب‌عزا جهت برگزاری باشکوه مراسم سوگواری.

در این سنت، هدف آن است که خانواده معزا متحمل فشار مالی و اقتصادی نشده، خانواده‌های تنگدست همانند مرفهین جامعه قادر به برگزاری مراسم سوگواری (چهمه-چمر- çamar) آبرومندانه‌ای برای امواتشان باشند. در این جلوه تعامل و تعاون دو مقوله مهم اقتصاد و حفظ کرامت اجتماعی خانواده‌ها بیش از هر چیز مورد توجه است. در این سنت، هر کس به اندازه وسع خویش خانواده معزا را (با اهدای گاو، گوسفند، بز، برنج، روغن یا حتی پول) یاری می‌رسانند. مشهورترین عبارت عامیانه متناظر بر این سنت، عبارت کنایی «منیده گیسک پرسانه_منیده گیسک پرسانه_ /meyida giske persâna/ به بزغاله پرسانه می‌ماند» است که به تعریض به افراد چاق و چله گفته می‌شود (پ. توشه، مصاحبه شخصی، ۱۳/۰۱/۱۴۰۱).

- **خون به بس_ خيون بس_ /xünbas/:** سنتی که طی آن غالباً خانواده و طایفه مقتول در عوض دریافت دیه (اموال منقول و غیر منقول) به عدم اجرای قصاص و همچنین پایان دادن به نزاع و کینه رضا می‌دهند. این رسم، نوعی پیمان صلح جهت پایان دادن به عداوت‌ها و منازعات حاصل از قتل، هتک حرمت اخلاقی و غیره بین دو قبیله یا دو طایفه است که به یاری و همراهی بزرگان و میانجی‌گران دو سوی منازعه برقرار می‌گردد. گاهی خانواده مقتول دختری را به عنوان دیه از طایفه قاتل درخواست کرده، پس آن دختر و خانواده‌اش علی‌رغم میل باطنی، جهت همراهی و همکاری با قبیله و احترام به تصمیم جمع در پایان دادن به عداوت‌ها تقاضای طرف مقابل را پذیرفته‌اند. «در این سنت قومی، زنان بخشی از دیه محسوب می‌شوند... و طایفه یا ایلی که مقتول از آن‌هاست یا خسارت دیده هستند و یا در مسائل اخلاقی و غیره مورد تعدی قرار گرفته‌اند، در کنار دریافت اموال منقول و یا غیر منقول از متعدیان، دختری را از خانواده یا نزدیکان طایفه مقابل به عقد یکی از فرزندان یا بستگان خود در می‌آورند» (محمدی و احسانی، ۱۳۹۷: ۱۴۰-۱۴۱). از این روی، گاهی در مقام تعریض به گروهی که به شکل دسته‌جمعی در حال رفتن و یا آمدن از جایی هستند، به کنایه می‌گویند: چمانی نرا خون سل هاتته_ چمان ارا خيون سل هاتته_ /cemânÿ ? fâ xün sel hâten/ یا این عبارت اعتراضی و کنایی را به کار می‌برند: مه‌گه‌له جی خون‌هاتمه_ مگر له جی خيون هاتمه /magar la ji xün hâtema/ بدان معنا که مگر من در عوض خون بس آمده‌ام (ا. توشه، مصاحبه شخصی، ۱۳/۰۱/۱۴۰۱).

- **سورانِه_ سیورانِه_ /sürâna/:** کمک مالی یا هدیه مهمانان و مهمانان و دعوت‌شدگان در مراسم عروسی به عروس و داماد.

این کادوها و هدایا که جلوه‌ای از تعاون در میان کلهری‌ها (همانند دیگر اقوام و ملت‌ها) است؛ در ابتدای زندگی مشترک زوجین و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان تأثیر بسزایی دارد. امروزه «سورانه» و هدیه «پاوه کردن» در مراسم عروسی با عنوان «پاتختی» به عروس و داماد اهدا می‌شود.

- کاساوسه یا کاسه‌مسا_ کاساوسه یا کاسَمسا /kâsâwsa- kâsamâsa/: رسمی اجتماعی که هر کدام از خانوارها، چه غنی و چه فقیر، هنگام ناهار یا شام از هر غذایی که در سفره داشتند، حداقل یک کاسه یا یک بشقاب را برای همسایه‌های هم‌جوار می‌بردند.

کردزبانان کلهری بر این عقیده بودند که چون فرزندان همسایه بوی پخت غذا را استشمام نموده‌اند، پس مستحب و گاه واجب است که بی تفاوت نباشند؛ بنابراین مقداری از غذا را هرچند اندک، به همسایه اختصاص می‌دادند و از آنجا که این عمل و تعهد دو طرفه بود، سفره خانوادها همیشه رنگی و متنوع از چند نوع غذا می‌شد و یا حداقل خالی از غذا نبود. این تعامل، ریشه در روحیه بخشندگی و نوع دوستی مردمان کلهری داشت و گاه آن را نشانه احترام به همدیگر می‌دانستند. «کاسه هاوسا تیرم نیه‌که‌ی قه‌درمه / کاسه غذای همسایه سیرم نمی‌کند بلکه نشانه احترام من است» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

- مال‌بار_ مال‌بار /mâlbar/: کمک کردن و یاری دادن در امر نقل و انتقال اثاثیه و احشام خانواده یا گله‌دارانی که در حال کوچ و نقل مکان هستند.

در فرهنگ کلهری هنگام کوچ عشایر یا اسباب‌کشی خانواری تمام همسایه‌ها، اقوام و افراد، خود را موظف می‌دیدند تا در تسهیل نقل و انتقال اثاثیه و احشام، خانواده مورد نظر را یاری رسانند. این جلوه همراهی باعث می‌شد تا رنج جابه‌جایی، غم جدایی و دوری از ایل و طایفه کمتر گردد و همچنین موجب دلگرمی افراد جامعه باشد.

- وریای_ وریای /weryây/: نگهداری از گله یا کشتزار که هر شب برعهده یک یا چند نفر از افراد ایل یا روستا بود.

به فرد نگهبان نیز «وریای‌که‌ر وریای‌گر» گفته می‌شد. این شیوه تقسیم کار جهت مدیریت نیروی انسانی و پرهیز از اتلاف وقت تمام افراد جامعه انجام می‌گرفت.

- گه‌له‌وان_ گله‌وان /galawân/: زنان و دختران که در کارهایی مانند بافتن گلیم و غیره همکاری می‌کردند (نک. جلیلیان، ۱۳۸۵: ۶۵۲).

در جامعه کلهری اگر زنی یا دختری در خانه به بافت قالی، گلیم، جاجیم، جارو و مانند آن مشغول می‌شد، گروه زنان و دختران جهت سرعت‌بخشیدن به کار، او را یاری می‌رساندند. معمولاً اکثر زنان

کردزبان از مزایا و فواید این شیوه همکاری و همیاری بهره‌مند و منتفع می‌شدند؛ چراکه هر کدام در طول سال به کاری و تولیدی مشغول و نیازمند همکاری همدیگر بودند.

اغلب این سنت‌ها در مناسبات اجتماعی نیز هنوز پابرجا هستند، جز سنت گله‌وان که بسامد کمتری یافته و به‌ندرت در امر قالی‌بافی و گلیم‌بافی در شرکت‌های تعاونی دیده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استمداد از فرهنگ و ادب عامه و با مطالعه تحلیلی و میدانی، به صورت میان رشته‌ای به فرهنگ داد و ستد، همیاری و همکاری و روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها که در اصطلاح علمی بدان «تعامل» و «تعاون» می‌گویند، پرداخته شد و دیرینگی این سنت در میان کردزبانان کلهری (شهرستان ایوان‌غرب و بخش سومارغرب) در سه بخش: ۱- تعامل و تعاون در فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی ۲- تعامل و تعاون در فعالیت‌های مرتبط با دامپروری ۳- تعامل و تعاون در فعالیت‌های مرتبط با مناسبات اجتماعی بررسی شد. از این مطالعه و پژوهش، نتایجی به این شرح حاصل شد: بخشی از روابط اجتماعی و تعاملات سنتی و قومی کردزبانان کلهری در ادب عامه آن انعکاس یافته است که مطالعه و تحلیل این جلوه‌های ادبی موجب می‌گردد تا شناخت بیشتری نسبت به این خرده‌فرهنگ حاصل آید. همچنین در فرهنگ کلهری نیز همانند دیگر ملت‌ها، جلوه‌ها و اشکال قابل تأملی از تعامل و تعاون به دید می‌آید که در پیشبرد اهداف اجتماعی، تسهیل کارها، رونق اقتصادی و مدیریت نیروی انسانی نقش بسزا و ارزنده‌ای داشته است. در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری که عمدتاً با دشواری‌های خاصی همراه است، تعاملات و همکاری‌های جمعی، نقشی تسهیل‌کننده در انجام امور مربوط ایفا نموده است. در نتیجه، روحیه بخشندگی و نوع‌دوستی کلهرزبانان موجب گردیده تا در قالب انواعی از تعاملات و یاریگری‌ها چهره کریه فقر از جامعه سنتی آنان زدوده شود. دیگر اینکه تعاملات و همکاری‌های اجتماعی موجب استحکام روابط بین افراد و قبایل شده، مانع ادامه عداوت‌ها و منازعات قومی و قبیله‌ای بوده است.

یادداشت‌ها

۱- در دین اسلام نیز بارها به اهمیت دامداری و چوپانی به اشکال مختلف اشاره شده است. اغلب پیامبران الهی از داوود نبی (ع) تا ختمی مرتبت (ص)، در آغاز به شغل چوپانی مشغول بودند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خداوند، داوود (ع) را هنگامی مبعوث کرد که ایشان یک چوپان بود؛ همچنین حضرت موسی (ع) را نیز هنگام چوپانی ایشان به نبوت برگزید؛ من نیز چوپانی گوسفندان را در منطقه جیاد به عهده داشتم» (نک. ابن اثیر جزری،

منابع

- ابن اثیر جزری، عز الدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ق). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. بیروت: دار الفکر.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- اسماعیلی، رضا، قلانی، نسرین، و جلالی، مینا (۱۳۹۳). همزیستی فرهنگی در فرایند جهانی شدن و تقویت فرهنگ ملی-قومی جوامع. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۵(۲۵)، ۱۴۹-۱۶۹. Dor: 20.1001.1.20088760.1393.15.25.6.6
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۳). سومار در مسیر تاریخ. ایلام: انتشارات حیات.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۷). مختاباذ (اوج مشارکت در دامداری سنتی). تحقیقات جغرافیایی، ۱۳(۵۱)، ۲۴-۳۲.
- پرنیان، موسی (۱۳۸۰). فرهنگ عامه کرد. کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.
- پرهیزگاری، سعید، و پرهیزگاری، مجید (۱۳۸۲). در مسیر گنگیر (جغرافیای طبیعی ایوان غرب). تهران: انتشارات عابد.
- بیت، ریچارد، و هارتویک، الین ریچارد (۱۳۸۹). نظریه‌های توسعه. با ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمان پور. تهران: لویه.
- جلیلیان، عباس (۱۳۸۵). فرهنگ باشور. تهران: پرسمان.
- خان محمدی، کریم، و احسانی، حکیمه (۱۳۹۷). مطالعه انسان‌شناسی پدیده خون‌بس در منطقه صیدون خوزستان. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱ (۲۱)، ۱۴۰-۱۶۹. doi: 10.22081/jiss.2018.66171
- خنجری، سلمان، و راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۷). فرآیندهای واجی در گویش کردی سنقر کلیایی. مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، ۶ (۲۱)، ۲۱-۴۱. Dor: 20.1001.1.23452579.1397.6.21.2.8
- دلشاد، بهناز (۱۳۸۶). گزارش همه‌سویه دیوان شاکه و خان‌منصور و ترجمه آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

بررسی جلوه‌های تعاون و تعامل در فرهنگ و ادب... (ص ۲۵-۴۳) --- شهریار شادی‌گو و همکاران ۴۳

- راویلینسون، هنری کرزیک (۱۳۶۲). سفرنامهٔ راویلینسون، گذر از ذهاب به خوزستان، ترجمهٔ سکندر امان‌الهی، تهران: آگاه.

- شهرپور، علی حسین (۱۳۸۰). حقوق تعاون: ایران، آلمان، فرانسه. تهران: انتشارات پایگان.

- صوفیان، مهدی (۱۳۸۶). کسب و کار در تعاونی‌ها. تهران: سبزان.

- طالبی، ابوتراب، و رضانی، محمد (۱۳۹۶). بازدارنده‌های مصرف‌گرایی مورد مطالعه: ساکنان شهرکاشان. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۸(۴۰)، ۱۵۷-۱۸۴.

Doi: <https://doi.org/10.22083/jccs.2018.94921.2231>

- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- قاسمی، یارمحمد، و مروتی، سهراب (۱۳۸۸). همیاری‌های سنتی ایلامیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- گلشن، صیاد، سیف‌الهی، سیف‌اله، و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی در ایران: مورد مطالعه گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۱(۴۰)، ۲۹-۴۷.

- محمدزاده، امید (۱۳۹۷). فرهنگ یاریگری در ایلات و عشایر استان ایلام. تهران: انتشارات نگارستان غرب.

- محمدی، ناهید (۱۳۹۱). کلهرنامه. تهران: انتشارات دستان.

- میرنیا، علی (۱۳۶۸). ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران. تهران: انتشارات نسل دانش.

- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی. چاپ پنجم. تهران: سیمرغ.

-Rist, G. (2003). *The History of Development: From Western Origins to Global Faith*, Expanded Edition, London: Zed Books.

-Ziai, A. (2007). *Exploring post-development theory and practice, problem and perspectives*, London; New York: Routledge.